



خطر بزرگ برای اروپا

نقض‌های مکرر حریم هوایی ناتو توسط روسیه، شکاف امنیتی عمیق میان متحدان دوسوی اقیانوس اطلس را بیش از پیش نمایان کرده است. در چنین شرایطی، ضرورت ایجاد یک بازدارندگی معتبر از سوی اروپایی‌ها از طریق تقویت توان نظامی، صنعتی و مالی، فوری‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، بسیاری در اروپا نگران غیرفعال شدن ناتو یا حتی خروج آمریکا از این ائتلاف بودند. اما می‌توان استدلال کرد که وضعیت فعلی، حتی از آن سناریوهای فاجعه‌بار نیز خطرناک‌تر است. دولت جدید آمریکا با بیان اظهارات به‌ظاهر درست، به‌رهمبران اروپایی اجازه داد تا بار دیگر به دام خوش‌بینی و انفعال بیفتند. با این حال، ارزیابی واقع‌بینانه از اقدامات واشنگتن، تصویری نگران‌کننده را ترسیم می‌کند که باید خواب را از چشمان مقامات امنیتی اروپا برباید.

روسیه در هفته‌های گذشته با تهاجم پهپادها و جنگنده‌های خود به حریم هوایی لهستان و استونی، مرز جدیدی را رد کرده است. این اقدامات تجاوزکارانه با اختلالات گسترده و همزمان در فرودگاه‌های بزرگ اروپایی همراه بود. پاسخ ناتو به این حوادث ناتهنا ضعیف بود، بلکه با اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر «اشتباه» خواندن این تخلفات عمدی مسکو، عملاً به روسیه برای تهاجم بیشتر چراغ سبز نشان داد.

ناتوانی ناتو در بازداشتن روسیه، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای این ائتلاف و اروپاست. در چنین شرایطی، هشدار رادوسواو سیکورسکی، وزیر خارجه لهستان، در سازمان ملل که به روسیه اختصار داد در صورت تکرار نقض حریم هوایی، پرنده متجاوز سربگون خواهد شد، هر چند تلاشی لازم برای نمایش بازدارندگی بود، اما بدون پشتوانه اقدام استراتژیک ناتو، توالی به نظر می‌رسد. این بیانه‌ها پیامی متناقض به ولادیمیر پوتین ارسال می‌کنند، به‌ویژه آنکه متحدان غربی سه سال گذشته را صرف اعمال محدودیت بر خود و اوکراین از ترس تحریک روسیه کرده اند.

مشکل تنها به آمریکا محدود نمی‌شود. ناتوانی اروپایی‌ها در به نتیجه رساندن بحث‌های یک‌ساله بر سر اعزام یک نیروی احتمالی به اوکراین، تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ را تضعیف کرده است. به این موارد باید مشکلات ساختاری در صنایع دفاعی اروپا را نیز افزود که به‌رغم پیشرفت در تأمین مالی، همچنان در یکپارچه‌سازی و افزایش مقیاس تولید ناتوان است. اختلاف‌نظرهای مداوم، مانند پروژه مشترک جنگنده آینده میان فرانسه و آلمان، سیگنال ضعف و عدم تعهد جدی را به دشمنان ارسال می‌کند.

اروپایی‌ها به‌جای آنکه تمام توان سیاسی، مالی و صنعتی خود را برای ایجاد ظرفیت‌های دفاعی مستقل به کار گیرند، ماه‌های گذشته را صرف تلاش برای نگه داشتن یک آمریکای بی‌میل در کنار خود کرده‌اند. اکنون آن‌ها نته‌نها مسئولیت کامل میدان نبرد اوکراین را بر دوش می‌کنند، بلکه با یکی از جدی‌ترین چالش‌ها برای امنیت جناح شرقی ناتو نیز روبه‌رو هستند، در حالی که واشنگتن به‌طور فزاینده‌ای آن‌ها را نادیده می‌گیرد.

برخلاف تعارفات دیپلماتیک، دولت آمریکا بر اساس تمام شاخص‌ها، موقعیت اوکراین و اروپا را در برابر روسیه تضعیف کرده است. واشنگتن با اقداماتی نظیر تعلیق اشتراک‌گذاری اطلاعات کلیدی برای وادار کردن کی‌یف به مذاکره از موضع ضعف، توقف حمایت مالی مستقیم، و کند کردن روند تحویل سلاح، عملاً به نفع مسکو عمل کرده است. رفتار دوگانه کاخ سفید در حمله لفظی به ولودیمیر لانسکی و پهن کردن فرش قرمز برای ولادیمیر پوتین، گویای همه‌چیز است.

مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند که با حفظ تحریم‌های دولت بایدن علیه روسیه، موضعی سخت‌گیرانه دارند. اما این واقعیت که دولت ترامپ، که به برهم زدن میراث دولت قبل شهره است، هیچ اقدام جدیدی برای وادار کردن پوتین به توقف جنگ انجام نداده، خود معنادار است.

یک ناتوی غیرفعال یا خروج کامل آمریکا، فاجعه‌بار بود اما تکلیف را روشن می‌کرد و اروپایی‌ها را وادار می‌ساخت با واقعیت روبه‌رو شوند. اما ایهام وضعیت فعلی، که در آن آمریکا ظاهراً متحد اروپاست اما در عمل امنیت آن را تضعیف می‌کند، روزبه‌روز خطرناک‌تر می‌شود. این وضعیت به اروپا اجازه می‌دهد تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. به نظر می‌رسد اروپایی‌ها، به‌رغم ثروت و قدرتشان، همچنان به‌تضمین امنیتی آمریکا معنادار هستند و این وابستگی، مانع از درک این واقعیت می‌شود که دوران انکاب واشنگتن به پایان رسیده است.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

چندروز اول کاری در شغل جدید برای همه همیشه سخت می‌گذرد اما پنج‌شنبه گذشته برای لیندزی هالیگان، دادستان فدرال تازه‌منصب‌شده در منطقه شرقی ویرجینیا، سختی ویژه‌ای داشت. او باید وارد ساختمان جدید و ناآشنای دادگاه می‌شد، برای اولین بار برای بررسی یک پرونده کیفری مشارکت می‌کرد و علاوه بر اینها، علیه یکی از دشمنان دونالد ترامپ اعلام جرم می‌کرد.

هالیگان که روز دوشنبه گذشته مشغول به کار شد، پس از آنکه سلف خود، اریک سبیرت اعلام کرد شواهد کافی برای پیگرد قانونی جیمز کومی وجود ندارد و استعفا داد، برای انجام دو وظیفه اول خود دچار مشکل شده بود. او اشتباهی وارد اتاق دادگاه دیگری شد. زمانی که اتاق درست را پیدا کرد، سمت اشتباه قاضی ایستاد و بعد از آن با حالتی سردرگم به کاغذبازی‌هایی که امضا کرده بود نگاه می‌کرد. اما هالیگان توانست مسئولیت سوم خود را انجام دهد؛ مسئولیتی که بیشتر از همه برای رئیس خود اهمیت داشت: پیگرد قانونی کیفری علیه کومی، رئیس پیشین اف‌بی‌آی (دفتر تحقیقات فدرال). این کیفرخواست نقطه فرجام مجموعه خارق‌العاده‌ای از اقدامات کاخ سفید بود که از نظر بسیاری از کهنه‌کاران وزارت دادگستری می‌تواند منجر به حذف محدودیت‌های اقامت‌دهنده قانونی و اجرایی شود که تا الان می‌توانست از اجرای قوانین فدرال در جهت تحقیر، تحقیقات و پیگرد قانونی افرادی که از آن‌ها متنفر است، جلوگیری کند. این اقدام پنج روز پرهج و مرج را رقم زد که به گفته کارشناسان حقوقی ضربه‌ای به استقلال وزارت دادگستری به‌شمار می‌رود و با صحنه دلخراشی به پایان رسید که هم وقار و هم نمایش خنده‌دار آن لحظه را خلاصه می‌کرد. هالیگان در الکساندریا، در ایالت ویرجینیا مقابل هیئت منصفه ایستاد، برخلاف نظر زیردستانش پیش رفت تا جایی‌ای که رئیس اش دونالد ترامپ آرزویش را دارد، به‌دست آورد؛ مجازات کومی.

جیمز کومی در ویدئویی که در پاسخ به اعلام جرم منتشر کرد اظهار بی‌گناهی کرد و گفت که منتظر اثبات بی‌گناهی خود در دادگاه است. او گفت: «ما با زانو زدن زندگی نمی‌کنیم، شما هم نباید این کار را بکنید.»

▼ آشوب‌های پس از دستور ترامپ

دفتر دادستانی فدرال در الکساندریا که درست در مجاورت واشنگتن دی‌سی قرار دارد، یکی از مهم‌ترین دفاتر در آمریکا به شمار می‌رود و مسئولیت رسیدگی به موضوعات حساس امنیت ملی و پرونده‌های تروریسم را برعهده دارد. هرج و مرج تحقیقات درباره کومی حلقه‌ای از کارکنان متحدی را مثل گردبادی در هم کوید و دادستان‌ها بین گرفتن خبری از سرنوشت رئیس خود یا حکم اخراج خود تقلا می‌کردند. در ۱۹ سپتامبر، حدوداً ۱۲ نفر از این کارکنان به سمت دفتر اریک سبیرت رفتند تا پاسخ‌هایی درباره وضعیت‌شان و شایعات استعفا ی او دریافت کنند. اریک سبیرت، دادستان فدرال، شبیه گذشته‌زمانی که ترامپ علناً آپ‌باندی، دادستان کل خواست تا برای تعقیب قانونی دشمنانش سریع‌تر اقدام کند، از سمت خود استعفا داد. به گفته یکی از افرادی که شاهد این ماجرا بوده، سبیرت می‌گوید، استعفا «راحت‌ترین کاری» بود که در طول تاریخچه طولانی حرفه‌ای خود در وزارتخانه انجام داده است.

روز پنجشنبه صحنه آنقدر پرتنش بود که کارکنان وحشت‌زده در محل کار خود یا در کافه‌های شبانه مثل وستین هتل در نزدیکی ساختمان دادگاه جمع شدند و منتظر مشخص شدن سرنوشت کومی، هالیگان و در واقع تلویحاً سرنوشت خودشان بودند. کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید گفت که ترامپ «در کنار دادستان کل باندی می‌ماند و از تلاش‌های او برای اینکه آمریکا را دوباره امن کند و جنایتکاران را مسئول بداند، حمایت می‌کند.»

کمپین انتقام‌جویی ترامپ از اواسط ماه ژوئیه و پس از آن بود که یکی از مشاوران رئیس‌جمهور از بی‌قراری ترامپ از روند کند تحقیقات وزارت دادگستری خبر داد. پیگرد قانونی کومی در حقیقت پرونده‌ای بود که تمام دادستان‌های فدرال اعلام کردند شواهد کافی برای متهم کردن او وجود ندارد. اما حالا لحظه مهمی در تاریخ آمریکا در حال رقم خوردن است. پیگرد قانونی رئیس پیشین اف‌بی‌آی به چندین دلیل بزرگ است اما مهم‌ترین آنها کمپین بی‌پایان انتقام‌جویی دونالد ترامپ و استفاده از سیستم قضایی است که از آن

عکس: Gettyimages



تصویر آمر

کمپین رئیس‌جمهور آمریکا برای محاکمه جیمز کومی رئیس‌پید

متنفر است و اذعان می‌کند که به آن اعتماد ندارد و استفاده ابزاری از آن علیه افرادی که مقصر هستند، در سرهای قانونی خود می‌داند. نگرانی‌ها از این است که ترامپ با پیگرد قانونی جیم کومی متوقف نمی‌شود. افراد دیگری نیز در فهرست ترامپ می‌توانند قرار داشته باشند؛ مانند آدام شیف، نماینده دموکرات کالیفرنیا، به‌دلیل نقشی که در استیضاح ترامپ داشت، لیتشا جیمز، دادستان کل نیویورک به دلیل پرونده‌هایی که علیه ترامپ باز کرد، هیلاری کلینتون برای اینکه دشمن سیاسی او است و ترامپ همیشه از او متنفر بوده است و حتی جورج سوروس که ترامپ به‌طور مستقیم درگیری نداشته و تقریباً تمام مردان قدرتمند از او خوششان نمی‌آید و در میان حامیان ماگابه‌عنوان یک انارشیست شناخته می‌شود.

▼ نقهده ۱۰ ساله ترامپ برای انتقام از کومی

ریشه این انتقام به سال ۲۰۱۷ برمی‌گردد؛ زمانی که ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید مشغول به کار شده بود. جیمز کومی در آن زمان یک رئیس کهنه‌کار اف‌بی‌آی بود. در عرض چند ماه بی‌اعتمادی دوطرف به یکدیگر شدت بیشتری گرفت چون کومی تحقیقاتی را درباره افرادی در حلقه اطرافیان ترامپ هدایت می‌کرد. این تحقیقات به تبانی کمپین انتخاباتی ترامپ با روسیه مرتبط بود. ترامپ هم به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید از وجود این تحقیقات ناراضی بود. کومی هم علناً اعلام کرد که برای اعلام وفاداری خود به ترامپ تحت‌فشار قرار گرفته و مؤدبانه تلاش می‌کرد تا از این کار سر باز زند. به گفته دولین برت، خبرنگار نیویورک تایمز، داشتن رئیس‌جمهوری مثل دونالد ترامپ و رئیس اف‌بی‌آی مانند جیمز کومی ترکیب اشتعال‌پذیری است. در ماه مه ۲۰۱۷، ترامپ کومی را اخراج کرد. این امر به‌نوبه خود منجر به انتصاب یک وکیل مستقل برای تحقیق درباره دونالد ترامپ و مسئله روسیه می‌شود که فقط انزجار و خشم ترامپ از کومی را بیشتر می‌کند. ترامپ درباره کومی می‌گوید: «او پزی است، یک مهرطلب است. هرج و مرج اف‌بی‌آی را گرفته است. شما این را می‌دانید. من می‌دانم، همه می‌دانند.» از نظر ترامپ



رو نوشت بهر رسانه‌های کذاب

درسی که می‌توان از ماجرای مدیرکل اسبق FBI آموخت

تسلیم کند. این قرار بازداشت به ماجرای مداخله احتمالی روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ به نفع ستاد انتخاباتی ترامپ –موسوم به راش‌گیت– مرتبط است. به بیان دقیق‌تر، به تاریخ سی ام –سپتامبر ۲۰۲۰، کومی به منظور ارائه شهادت در پیشگاه کمیته قضایی سنای ایالات متحده حاضر شده، و با بیان و عامدانه و آگاهانه این ادعا که در زمان تصدی «به هیچ‌یکدام از کارکنان FBI اجازه نداده به عنوان منبع ناشناس در این پرونده نقش‌آفرین باشند»، نزد قوه مقننه کلامی خلاف واقع می‌گوید؛ حال آنکه وفق ادله چنین مجوزی

کومی از دموکرات‌ها هم بدتر بود. ترامپ حتی در همان سال ۲۰۱۷ تقریباً پس از آنکه کومی را اخراج کرد علاقه داشت تا او را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. اما در آن زمان تحقیقات وکیل مستقل سرعت گرفته بود و به مشکل بزرگ‌تری برای رئیس‌جمهور آمریکا تبدیل شده بود. ترامپ به‌طور فزاینده‌ای کومی را مقصر مشکلات خود می‌دانست و او را حق‌پاز و خبرچین خطاب می‌کرد. او در طوفانی توییتری کومی را همدل قرار داد و او را فردی منفور خواند. ترامپ به‌شدت مشکوک بود و فکر می‌کرد که کومی در دولت دستکاری می‌کند تا برای ترامپ مشکل درست کند. ترامپ حتی کومی را فردی توصیف کرد که «جانیات بسیاری مرتکب شده» است. با این حال کومی هم تأکید کرد که او به دنبال وکیل مستقل بود و می‌خواست برخی از صورتجلسه‌ها منتشر شوند و بر این باور بود که باید تحقیقات بیشتری در مورد رئیس‌جمهور آمریکا صورت بگیرد. کومی در نهایت پذیرفت که برخی از اطلاعاتی را که فکر می‌کرد مهم است منتشر کرده اما از نظر کارشناسان حقوقی هیچ اقدام غیرقانونی در درز این اطلاعات رخ نداده است. این اطلاعات به جلسه‌های ترامپ با کومی برمی‌گردد؛ اقدامی که به گفته کومی سه روز پس از آن بود که ترامپ در تویییتی نوشت: «جیمز کومی قبل از آنکه اطلاعاتی را در رسانه‌ها درز دهد، بهتر است امیدوار باشد که هیچ «نواری» از مکالمه‌ایمان وجود نداشته باشد.» کومی می‌گوید این توثیت باعث شد تا با دوست خود، دن ریچمن، استاد دانشکده حقوق دانشگاه کلمبیا، درباره صورتجلسه‌موردنظر صحبت کند. کومی می‌گوید: «قضاوت من این بود که باید برای افکار عمومی (این صورتجلسه) را منتشر می‌کردم. بنابراین از یکی از دوستانم خواستم تا محتوای این صورتجلسه را با یک خبرنگار در میان بگذارد. من خودم به دلایل مختلفی این کار انجام ندادم و از دوستم خواستم چون به‌نظرم می‌توانست انتصاب وکیل مستقل را تسریع کند.» اما با گذر زمان در این دوران مشهود بود که دادستان‌ها اقدامات کومی را جرم نمی‌دانستند. این امر ترامپ را بیشتر عصبانی می‌کرد. دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ بدون پیگرد قانونی کومی تمام

از سوی او صادر شده بود. بدین ترتیب، او بر اساس شق دوم از بند الف در بخش ۱۰۰۱ از قانون و آئین دادرسی کیفری به «دروغ‌گویی به دولت ایالات متحده»، و حسب بخش ۱۵۰۵ از همان قانون به «ممانعت از تحقق عدالت» متهم بوده؛ و در قبال هر کدام از این دو عنوان مجرمانه با خطر پنج‌سال حبس مواجه است.

در نظام حقوقی ایالات متحده، دادستان کل و مدیرکل FBI بالاترین مجریان قانون محسوب می‌شوند که پس از انتخاب توسط رئیس‌جمهور به سنا معرفی می‌شوند و پس از تأیید، سوگند انجام وظیفه یاد می‌کنند. چالش‌ها و پیچیدگی‌های حقوقی فراوان در ساز‌کار حکمرانی در ایالات متحده سبب می‌شوند حساسیت فراوانی متوجه متولیان این دو مقام باشد و عهده‌داران آنها عموماً به عنوان سیٹل مجادلات سیاسی هدف قرار بگیرند. لذا منتخبان در جایگاه انجام وظیفه همواره در معرض ترجیح منافع سیاسی بر موازین حقوقی هستند و از این حیث منظر کار آنها به مراتب دشوارتر از دیگر مقامات ارشد دولت فدرال است. از

نگاه حقوقدانان



آرش ملکی

پژوهشگر حقوق بین‌الملل

خبر آمد که وزارت دادگستری ایالات متحده علیه جیمز کومی، مدیرکل اسبق دایره بازرسی فدرال –یا همان FBI– اعلام جرم کرده و او موظف است ظرف چند روز آینده خود را به مقامات قضایی